

قرار شد تا یادداشتی بر شماره نخست **باران** بنویسم و چرایی انتشار آن؛ از اینکه ما چه می‌خواهیم و چه ویژه‌گی‌هایی **باران** را از دیگر مجله‌هایی که در خارج منتشر شده و می‌شوند متمایز می‌کند. از خود پرسیدم آیا حقیقتاً قرار است مجله ما متمایز از دیگر مجله‌ها باشد؟ چه تمایزی؟ پاسخش را از قبل می‌دانیم، **باران** تفاوتی هم اگر داشته باشد تنها در اهمیت دادن بیشتر به کیفیت مطالب خواهد بود و این که تلاش کند پایگاه آنانی باشد که در عرصه فرهنگ و ادبیات حرفی برای گفتن دارند. مجله‌ها و نشریه‌های بسیاری از ۱۳۵۷ تاکنون در بیرون از مرزهای ایران منتشر شده است. با نگاهی به نشریه‌های مشابه **باران** می‌توان دید که چگونه همکاران ما - چه آنان که هنوز برقرارند و چه آنان که با هزاران مشکلات به تعطیلی کشانده شدند - با آرزوهایی بسیار زیبا آغاز به کار کردند و بسیاری نیز پاسخگوی زمانه‌ی خویش بودند. از اختر تا الفبای ساعدی، از آهنگر تا جمعه‌ها، از اندیشه‌آزاد تا زمان نو، از دبیره تا کبود و بررسی کتاب و سنگ و ... همه آرزوهایی بس انسانی داشتند برای زیبا کردن این جهان.

در ابتدای تاسیس **نشر باران** آقایان طاهر صدیق و مرتضی ثقفیان به سراغم آمدند تا ناشر جنگ اندیشه آزاد که تا آن زمان ۱۵ شماره‌اش منتشر شده بود، شوم. ۴ شماره این جنگ را منتشر کردیم و به ناچار این مجله نیز بسته شد. مجله‌ای که گویا رسالتش را به پایان رسانده بود و زمانه‌ی جدید انگیزه و رسالتی نو می‌طلبد.

سال ۱۹۹۴ پیشنهاد انتشار فصلنامه‌ای را به مرتضی ثقفیان دادم با این شرط که هر شماره توسط یک ویراستار منتشر شود، اما چهارچوب مجله، که در گستره‌ی ادبیات مدرن باشد، رعایت گردد؛ تجربه‌ای جدید برای ما ایرانیان که البته در اروپا تازگی نداشت. او هم پذیرفت و در پس آن مکث متولد شد.

۶ شماره‌ای از این فصلنامه زیر نظر ۵ دوست منتشر شد. اما با وجود اینکه مجله‌ی سنگین و وزینی بود اما هر شماره ساز خودش را می‌نواخت. از این مجله هر چه بود ۱۱ شماره منتشر شد و عمر مکث نیز به سر رسید.

از آن پس در رایزنی با دوستان مختلف امکانات و نیازهای زمانه‌ی خود را برای انتشار فصلنامه‌ای جدید بررسی کردیم. دوست و یاور همیشگی **باران**، بهزاد کشمیری‌پور که خود تجربه‌ی انتشار ۱۲ شماره‌ی مجله ادبی کبود را داشت، مسئولیت سردبیری این فصلنامه را پذیرفت. مشکلات شخصی من اما در انتشار شماره‌ی نخست تاخیری فراوان به‌وجود آورد. جا دارد از همه‌ی دوستانی که با کمال بزرگواری برای شماره نخست مطلب فرستادند و مدت زیادی در انتظار ماندند سپاسگزاری کنم و پوزش بخواهم. ما در تلاشیم تا **باران** معرف آثار نویسندگان ایرانی - چه داخل و چه خارج - باشد. **باران** پایگاه آنانی خواهد شد که نمی‌خواهند سانسور شوند. دفاع از کلمه و جادوی کلام مانیفست ما خواهد بود.

کله استکهلم - بهار ۱۳۸۲

مسعود مافان